



کشور نداشته است بلکه امروز شاهد رشد غیر قابل قبول نرخ اجاره بها و مسکن هستیم. باید توجه داشت در طی سال های اخیر در راستای توسعه پروژه های عمرانی قدم های گسترده ای برداشته شده است و شاهد رشد ۲۰۰ و ۳۰۰ درصدی اعتبارات عمرانی بوده ایم که به نوبه خود جای خوشبختی است، اما این روز ها امکان پرداخت مطالبات پیمانکاران وجود ندارد، چرا که عدم حرکت صحیح در نظام بودجه ریزی کشور و عدم ایجاد توازن در فعالیت های توسعه ای و پرداخت های انتقالی سبب گردیده است که دولت توان پرداخت صورت وضعیت بسیاری از پیمانکاران را نداشته باشد و در نتیجه روند حرکت پروژه های عمرانی نیز به کندی گریخته است.

**\*روند بر نامه های دولت را در بخش ایجاد اشتغال چگونه ارزیابی می کنید و آیا دولت توانسته است در خصوص رفع این مشکل گام های اثر گذاری بردارد؟**

-باید توجه داشت یکی دیگر از مهمترین گرفتاری های امروز جامعه بیکاری است. امروز علی رغم افزایش سه برابری درآمد نفت بیکاری در بدترین وضعیت خودش قرار دارد. نرخ بیکاری ۹ درصدی در سال ۱۳۷۵ که در سال ۱۳۸۵ به ۱۱٫۲ درصد رسیده بود امروز از مرز ۱۲ درصد نیز گذشته است. بیکاری به

**به هر حال جراحی اقتصادی در تاریخ ایران انجام شده و هزینه هم دارد؛ اما اگر لازم باشد باز هم انجام می دهیم، اما عاقلانه، منطقی و با بررسی دقیق کارشناسان اقتصاد. چیزی به من الهام نمی شود. من هیچ کاری را از طریق الهام، تماس با غیب یا علوم غریبه انجام نمی دهم**

دلیل جوان بودن جمعیت کشور یک امر غیر طبیعی نیست، اما حرکت رو به افزایش آن علیرغم شعارهای کار و تولید و اشتغال و درآمدهای هنگفت نفتی، غیرطبیعی است. علیرغم افزایش درآمد کشور همزمان با روند کاهش میزان افراد جوابی کار که در سال گذشته حدود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر برآورد شده است در کشور نباید شاهد افزایش این بیکاری ها باشیم. همچنین باید به این نکته نیز توجه ویژه داشته باشیم که در فضای کسب و کار بر اساس آمار های بین المللی ایران در میان ۱۸۳ کشور در رتبه ۱۴۴ قرار دارد.

**\*به نظر شما چند در صدان فعالیت های اجرایی در کشور بر اساس قانون به مرحله اجرا گذاشته می شود؟**

-با کمال تأسف بر اساس اعلام یک سازمان بین المللی از مجموعه ۲۱۲ کشور بررسی شده ایران در رتبه ۱۶۹ از حیث رعایت و حاکمیت قانون قرار دارد و این روند کاهش رعایت قانون در ایران بر اساس گزارشات تفریغ بودجه ایران و سازمان بازرسی کل کشور هم به خوبی مشاهده می شود. بر اساس همین آمار مسئولان باید بر اساس قانون گام های خود را بردارند چرا که شرایط موجود نگران کننده است. اگر هم دولتمردان بگویند این آمار از سوی بیگانگان اعلام شده است باید به گزارش دیوان محاسبات که هر ساله به مجلس ارائه می شود رجوع کرد که بر اساس آن حداقل ۶۰ درصد آنچه که در قانون تصویب شده است به اجرا در نیامده است. بنابراین بازگشت حاکمیت قانون به کشور یکی از ضرورت ها است.

بر نامه های انتخاباتی ام شرح خواهم داد و جامعه پی خواهد برد که این برنامه ها تا چه حدی مبتنی بر قانون اساسی است و چه فوایدی برای جامعه و اقتصاد کشور دارد. متأسفانه حجم قابل ملاحظه ای از آنچه که قانون گذار برای اجرای قانون هدفمندی یارانه ها تعیین کرده، نادیده گرفته شده و به اجرا در نیامده است. ما می بینیم که دولت در این رابطه به قانون تصویب شده عمل نمی کند؛ از اعضای هیات مدیره سازمان هدفمندی یارانه ها تا منابع و ردیف ها. یک نفر از من پرسید اگر فشار های تحریمی به حدی برسد که ارزش پول ملی بیشتر از این هم کاهش پیدا کند، باز هم به دنبال اجرای قانون هدفمندی هستی؟ گفتم: بله! پرسید: چه راه حلی داری؟ گفتم: باید راه حل را در برنامه اقتصادی ارائه کنیم. به هر حال جراحی اقتصادی در تاریخ ایران انجام شده و هزینه هم دارد؛ اما اگر لازم باشد باز هم انجام می دهیم، اما عاقلانه، منطقی و با بررسی دقیق کارشناسان اقتصاد. چیزی به من الهام نمی شود. من هیچ کاری را از طریق الهام، تماس با غیب یا علوم غریبه انجام نمی دهم.

**\*روند رشد اقتصادی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟**  
طبق سند چشم انداز، روند رشد اقتصاد کشور می بایست متوسط ۸ درصد در طی سال های بعد از تصویب سند چشم انداز می بود با کمال تأسف چنین روندی را ندارد؛ بعد از جنگ تحمیلی که یک رشد اقتصادی متوسط منهای ۱٫۲ درصد را شاهد بودیم و به محض پایان جنگ این حرکت در رشد منفی به سمت رشد مثبت گرایش پیدا کرد و در یک دوره ۸ ساله نزدیک به ۵٫۴ درصد رشد متوسط را شاهد بودیم و در دوره ۸ سال بعد این رشد استمرار پیدا کرد و طبق اسناد قانونی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار رشد متوسط ۵٫۲ درصد به ثبت رسیده است.

این رشد در شرایطی به وقوع پیوسته که متوسط ۲۰ میلیارد دلار درآمد در ۸ سال اول، متوسط ۳۶ میلیارد دلار درآمد در ۸ سال دوم و با کمال تأسف در سال های اخیر ۱۰۴ میلیارد دلار در ۶ ساله اخیر داریم ولی رشد ما روند منفی طی می کند و به عدد رشد ۴ درصد رسیده است. حق نیست بارش در آمد ۳ برابر نفتی رشد اقتصادی منفی در کشور را مشاهده کنیم، نسبت به گذشته رشد تضعیف شده است.

**\*تورم یکی از بزرگترین مشکلات روز جامعه است، در این راستا چه نظری دارید؟**

-تورم مالیاتی است که اغنیا به اختیار خودشان به هر میزانی که می خواهند از جیب فقرا برداشت می کنند، مالیات که نم پای پی هر حکومتی است و اگر به آن توجه نشود آن تورم یک بالای خانمان سوز خواهد بود علی رغم اینکه متوسط به ۲۵٫۳ در ۸ ساله دولت سازندگی و در پایان دولت اصلاحات به ۱۱٫۴ درصد رسیده بود امروز به سقف ۳۰ درصد رسیده است. متأسفانه برای کنترل نرخ تورم از یک ابزار غلط ترا استفاده شد و آن دامن زدن به واردات کشور و ضربه به تولید ملی کشور بوده است، ۳۰ میلیارد دلار واردات سالانه متوسط کشور در دوره ماضی، به ۶۰ میلیارد دلار واردات در کشور تبدیل شده است. حجم قابل ملاحظه ای از این اقلام مصرفی است، بخشی کالاهای واسطه ای و بسیار اندک کالاهای سرمایه ای که عامل توسعه است؛ با کمال تأسف برای کنترل تورم، این شرایط اتخاذ شده نه تنها به کنترل تورم منجر نشده است بلکه به تولید کشور نیز ضربه زده است.

**\*نظر شما در خصوص اجرای پروژه های عمرانی صورت گرفته از سوی دولت چیست؟ آیا دولت توانسته است بر نامه های خود را در این زمینه به خوبی به مرحله اجرا در بیاورد؟**

-برخی از اقدامات و برنامه های اجرایی دولت در این دولت مثبت بوده است مثلاً تلاش در جهت ساختن مسکن مهر، اقدام بسیار فوق العاده ای بود اما این کار با توجه به تلاش های زیادی که انجام شد خروجی مطلوبی نداشت و موجب کاهش اجاره بهای خانه های مسکونی نشده و باید پرسید چرا نتایج این اقدامات که در کوتاه مدت ر کود و توقف قیمت ها را موجب شد، در میان مدت نه تنها تاثیری در روند کاهش بازار مسکن در

از سوی مقام معظم رهبری می شنیدیم که سیاست خارجی منفعل، کشور را به قهقرا می برد. تازگی هم ندارد؛ نه در دولت آقای احمدی نژاد بیان شده، نه در دولت آقای خاتمی و نه در دولت آقای هاشمی. ایشان مدت هاست که این مطالبه را بیان می کنند؛ فکر می کنم نخستین بار در دوره ای که ایشان رئیس جمهور بودند این مطالبه مطرح شد. ایشان در تبیین «سیاست خارجی منفعلانه» بیاناتی را را برآز داشته اند و در مقابل، از «سیاست خارجی تهاجمی» سخن گفته اند. مقام معظم رهبری در تبیین سیاست خارجی بر مولفه های مختلفی تاکید کرده اند که مهم ترین آنها استحضاد از حقوق و منافع ملی ایران در اوضاع برون مرزی است؛ یعنی دفاع از حقوق ایران و ایرانیان و در یک بازه وسیع تر دفاع از اسلام و مسلمانان در گستره جهانی. این یک سیاست خارجی تهاجمی است. اما این فهم که سیاست خارجی تهاجمی، سیاست خارجی تخصمی است در برابر فهمی قرار دارد که معتقد است سیاست خارجی متکی بر نظامات عاقلانه، مساوی است با سیاست خارجی منفعلانه. اینها همان دو سراط و تفریطی هستند که من با آنها مخالفم. بنده معتقدم که سیاست خارجی مقبول و مورد نظر نظام اسلامی، سیاست خارجی تهاجمی است؛ نه تخصمی یا منفعل. سیاست خارجی تخصمی را انقلابی تعریف می کنند و سیاست خارجی منفعل را اداری زبان مشترک با نظام بین الملل و بر پایه اصول تعیین شده در روابط بین الملل فرض می کنند؛ در حالی که هر دو دیدگاه غلط است. نگاه اول اشتباه است؛ چرا که هیچ دیپلمات آمریکایی در سیاست خارجی منفعل عمل نمی کند. برعکس آنچه که برخی رفقای ما تصور می کنند، دیپلمات های آمریکایی همواره در حال تهاجم هستند و سخن گفتن با زبان نرم در عرصه دیپلماسی را تن دادن به خواسته طرف مقابل می دانند. سیاست خارجی تخصمی، سیاستی است که دشمنی را علیه ما برانگیخته می کند در حالی که هیچ پوشش دفاعی برای ملت ایران ندارد ک ندیده است. سیاست خارجی تخصمی، سیاست تهاجمی غیر عقلانی است. برای پذیرفتن یک حق اساسی، خط قرمز ما پذیرش قطعنامه علیه ملت ایران نیست. ما باید بر اصول پایمردی کنیم، از اصول و ارزش های اسلام و ایران دفاع نماییم و به قیمت صدور قطعنامه از اصول و ارزش های مان دست نکشیم. اما اگر شعار دادیم که «آن قدر قطعنامه بدهید تا قطعنامه دان تا ن پاره شود» باید بپذیریم که یکی از آثار صدور قطعنامه، تحریم همه جانبه علیه ملت مسلمان ایران است. اگر ما همزمان در خصوص ارزش فکر نکرده ایم و مقام عالی بانک مرکزی یک شبه از بالا رفتن ناگهانی قیمت دلار خبر می دهد، نتیجه سیاست خارجی غیر عاقلانه ای است که به زیان مردم ایران منجر می شود. در حالی که سیاست خارجی تهاجمی ایستادگی و پایمردی می کند و اگر قطعنامه ای علیه آن صادر شود از پیش تمهیداتی را برای مقابله و جبران خسارت های آن سیاست ها در نظر می گیرد. سیاست خارجی تخصمی و منفعلانه می تواند ضربات بسیاری به جمهوری اسلامی ایران وارد کنند و متأسفانه در ایامی که افراط و تفریط حاکم بوده است، همین کار را انجام داده اند. در حوزه های دیگر هم همین طور است.

**\*می خواهید با هدفمندی یارانه ها چه کار کنید؟**

-ما به هیچ وجه نمی توانیم هدفمندی یارانه ها را متوقف کنیم. طرح هدفمندی یارانه های موجود زنده در اقتصاد ایران است که باید به درستی تغذیه شود، حمایت شود و به هیچ وجه متوقف نشود. البته نکته قابل تأمل این است که تکانه های تورمی فقط در شهر ها خودش را نشان داده و هنوز موج این تکانه ها به روستا ها نرسیده است. اگر پیش از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها از مردم می پرسیدید که آیا مایلید هر ماه این مبلغ را دریافت کنید اما تورم تا این حد افزایش پیدا کند، مطمئناً با پاسخ منفی مواجه می شدید. اما اگر من بایم و مدیریت کشور را در دست بگیرم، مبلغ ۴۵ هزار تومان در ماه را تغییر نمی دهم. در ضمن دست به دعا می شوم که منابع موجود، کفاف پرداخت این هزینه ها را بدهد اما در عین حال سیدی را برای خانوار ها در نظر می گیریم. البته من این مسائل را در